

سه شنبه 10 دی 1392-28 صفر 1434-31 دسامبر 2013

شهید موسی عسکری در سال ۱۳۴۰ش در خانواده‌ای مذهبی در روستای کوچکی به نام دولابان واقع در استان کرمان دیده به جهان هستی گشود. مشهدی عبدل...



10 دی 28 صفر- 31 دسامبر

*** 10 دی در دفاع مقدس***** شهادت شهید موسی عسکری (1362ش)**

اشاره: شهید موسی عسکری در سال ۱۳۴۰ش در خانواده‌ای مذهبی در روستای کوچکی به نام دولابان واقع در استان کرمان دیده به جهان هستی گشود. مشهدی عبدل، پدر موسی، مداح اهل بیت (ع) بود. موسی چهار سال بیش‌تر نداشت که مادر خود را از دست داد و سرپرستی او و خواهر کوچک‌ترش را زن بابای آن‌ها عهده‌دار شد. دوره ابتدایی را در منوجان و در خانه خاله‌اش به اتمام رساند. موسی، کودکی با استعداد، درس‌خوان و شاگرد اول بود. او دوره راهنمایی را در مدرسه نواب صفوی بندرعباس به پایان رساند و بعد مشغول به کار در یک فرش‌فروشی شد. پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی (ره)، موسی در سپاه پاسداران نام‌نویسی کرد. او به‌طور هم‌زمان هم در فرش‌فروشی کار می‌کرد و هم وظایف مربوط به سپاه را انجام می‌داد. سربازی خود را در نیروی دریایی همراه با شهید قاسم عسکری سپری کرد. سه ماه پس از اتمام سربازی، با خانم سهرابی با مهریه سی هزار تومان ازدواج کرد. موسی هم‌چنین بانی ساخت مدرسه‌ای شد که پدرش، تدریس در آن را به عهده گرفت. بعدها این مدرسه، به نام «مدرسه راهنمایی شهید موسی عسکری» نام‌گذاری گردید. موسی، فردی دل‌سوز و شجاع و حامی ولایت فقیه بود و برای جوانان منطقه سرآمد و اسوه شایسته‌ای بود. به دنبال تجاوز ناجوانمردانه رژیم بعثی عراق به مرزهای جمهوری اسلامی ایران، موسی نیز همانند خیل جوانان پرشور مطیع امام (ره)، رهسپار جبهه‌های حق علیه باطل گردید تا این‌که سرانجام در تاریخ دهم دی‌ماه سال ۱۳۶۲ هجری شمسی در سن بیست و دو سالگی به شهادت رسید. پیکر پاک شهید بزرگوار را از تهران به بندرعباس انتقال دادند. خانواده از شهادت موسی خبر نداشتند. جمعی از سپاهیان بندرعباس آمدند به آن‌ها خبر دادند، وقتی پدرش این خبر را شنید، گفت: «راضی‌ام به رضای خدا.» مشهدی عبدل به همراه چند نفر دیگر برای شناسایی به بندرعباس رفتند. جمعیت انبوهی برای تشییع آمدند. پیکر مطهر شهید موسی عسکری را در قبرستان روستای کهور تاک دفن کردند. بعدها، شهدای دیگری نیز در کنار موسی آرام گرفتند.

*** 10 دی در گذر تاریخ***** شهادت «ثقة الاسلام میرزا علی آقا تبریزی» توسط قوای متجاوز روس در تبریز (1290ش)**

اشاره: میرزا علی آقا تبریزی معروف به ثقة الاسلام، در سال 1239 ش (رجب 1277 ق) در تبریز به دنیا آمد. وی در 23 سالگی راهی عتبات عالیات گردید و در محضر شیخ محمد حسین فاضل اردکانی، میرزا حبیب‌الله رشتی و شیخ زین‌العابدین مازندرانی در تکمیل معارف اسلامی خود کوشید تا به مقام اجتهاد نائل آمد. ثقة الاسلام تبریزی پس از هشت سال به تبریز مراجعت کرد و با نطق و موعظه، در هدایت افکار مردم می‌کوشید. پس از استقرار نظام مشروطه و پایان یافتن دوره استبداد صغیر در ایران، روسیه که حامی استبداد بود، در صدد اعاده استبداد در کشور برآمد و به دنبال بهانه بود. استخدام مورگان شوستر آمریکایی توسط مجلس شورای ملی برای خزانه‌داری کل کشور، بهانه را به دست آنها داد. روس‌ها از این عمل برآشفته شدند و طی اولتیماتوم شدیدی، خواهان اخراج شوستر شدند. در این زمان بین مجلس و دولت بر سر این اولتیماتوم، بحث‌های زیادی درگرفت که در این حال، نیروهای روسیه نیز بخشی از مناطق غرب و شمال ایران را به اشغال خود درآوردند. با ورود سپاهیان روس به تبریز، بسیاری از مردم به دست آنان قتل عام شدند و ثقة الاسلام تبریزی نیز سعی می‌کرد با گفتگو مانع از کشتار مردم گردد. در نهایت، روس‌ها ثقة الاسلام را در روز نهم محرم 1330 ق برابر با نهم دی ماه 1290 ش دستگیر کردند. آن‌ها از ثقة الاسلام خواستند که برای حفظ جان و مقام خود، مجاهدان تبریزی را آغازگر جنگ و کشتار معرفی کند ولی وی این تقاضا را به شدت رد کرد. بنابراین قوای جنایت پیشه روس، این عالم مجاهد را پس از اهانت و هتک حرمت، به دار کشیده و در دهم دی ماه 1330 ش برابر با عاشورای سال 1330 ق به شهادت رساندند. میرزا علی آقا ثقة الاسلام مردی فاضل، قانع، فروتن و بردبار و در عین حال جسور و بی‌پاک بود. به ایران و ایرانی عشق می‌ورزید و از بیگانگان نفرت داشت. در روزهایی که تبریز عرصه کشاکش اختلافات داخلی بود، وی سعی می‌کرد تا آن‌ها را به هم نزدیک کند و نیروهایشان را در مبارزه با اشغالگران روس و انگلیس به کار گیرد. ثقة الاسلام در عرصه ادب نیز دستی توانا داشت و به هر دو زبان فارسی و عربی مسلط بود. *مِرْآةُ الْکُتُبِ* و

مقتل سید الشهدا از جمله آثار این مجاهد انقلابی می‌باشند.

* تظاهرات خونین مردم مشهد و دیگر شهرها در اعتراض به رژیم پهلوی (1357ش)

* تأسیس مجمع جهانی اهل بیت(ع) به دستور مقام معظم رهبری حضرت آیت الله «خامنه‌ای» (1369ش)
اشاره: مجمع جهانی اهل بیت(ع) در دهم دی ماه 1369، با هدف تجمع شیعه، ایجاد رابطه بین جهان تشیع، رونق بخشیدن به حوزه‌های علمیه شیعه، حل مشکلات شیعیان با سایر فرق اسلامی و استفاده از امکانات حقیقی و حقوقی اهل تشیع به وجود آمد. شکل‌گیری این مجمع پس از حکم حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در چهارم دی ماه آن سال، با هدف آشنا نمودن شیعیان سراسر جهان به مبانی انقلابی و تفکر حاکم بر نظام اسلامی ایران انجام شد. ایشان تأکید کردند که اولاً سیاست، سر لوحه اقدامات قرار نگیرد و ثانیاً بر اساس مصلحت، اگر نیاز نبود، در کارها تصریح به نام ایران نشود.

* افتتاح رادیو «سواحیلی» برای شرق و مرکز آفریقا در صدا و سیما(1373ش)

* آغاز به کار شبکه سراسری مستقل رادیو قرآن (1376ش)
اشاره: در تاریخ 1376/10/10 همزمان با حلول ماه مبارک رمضان سال 1418 هجری قمری در محضر مقام معظم رهبری، رادیو قرآن، رسماً به عنوان یک شبکه سراسری 24 ساعته در خدمت قرآن دوستان میهن اسلامی قرار گرفت و دوران جدیدی از فعالیت قرآنی خویش را آغاز نمود.

* جمعیتی حدود 400 نفر از دانشجویان ایرانی، در اعتراض به سفر پرزیدنت کارتر به ایران، تظاهراتی در مقابل کاخ سفید برپا کردند(1356ش)

* کشتیرانی آریا سه فروند کشتی 14 هزار تنی از انگلیس خریداری کرد(1352ش)

* 28 صفر در گذر تاریخ

* رحلت جانسوز پیامبر گرامی اسلام «حضرت محمد (ص)» (11 ق)
اشاره: پیامبر عظیم الشان اسلام حضرت محمد(ص) در سن شصت و سه سالگی پس از 23 سال رسالت و نبوت به لقای معبود شتافت. دین اسلام در مکه به کندی پیش می‌رفت و آزار مشرکان مانع رشد اسلام بود اما در مدینه، تحول بزرگی در نشر اسلام حاصل شد و اسلام، تمام جزیره‌العرب را فرا گرفت. هرچند رسول خدا(ص) تلاش فراوانی در حفظ نظم و انضباط دینی مردم انجام دادند ولی پس از رحلت آن بزرگوار، مردم به بزرگترین وصیت حضرتش که پیروی از امیرالمؤمنین(ع) بود، عمل نکردند.

* شهادت «امام حسن مجتبی(ع)» (50 ق)
اشاره: معاویه که وجود امام حسن(ع) را برای بیعت گرفتن یزید مانع می‌دید، به جعه دختر اشعث خوارجی و همسر امام نوشت: اگر شوهرت را مسموم کنی، تو را به عقد پسر یزید در خواهم آورد و صد هزار درهم نیز به همراه نامه برای جعه فرستاد. این وعده کار خودش را کرد و ابن زن به هوای ازدواج با یزید، پسر رسول خدا(ص) را مسموم نمود. هرچند هیچ گاه به آرزوی پلید خود نرسید. سن شریف امام حسن مجتبی(ع) به هنگام شهادت 47 سال و مدت امامت آن حضرت 10 سال بوده است.

* 31 دسامبر در گذر تاریخ

* تولد «گوتفرید بورگر» شاعر و ادیب برجسته آلمانی (1747م)

* تولد «آرتور کریستین سن» شرق‌شناس برجسته دانمارکی (1875م)

* تولد «آندره وزالیوس» پزشک و جراح بلژیکی (1514م)

* تولد «هانری ماتیس» نقاش معروف فرانسوی (1869م)

* قتل «گریگوری راسپوتین» شخصیت مرموز دربار تزاری روس (1916م)
اشاره: ریگوری افیموویچ نوویخ معروف به راسپوتین، دهقان زاده‌ای روسی بود که در 12 مه سال 1872م به دنیا آمد. وی از

همان ابتدای سنین جوانی به حرفه جادوگری و پیش‌گویی روی آورد و توانست با استفاده لباس کشیشی، به دربار تزار نیکلای دوم، پادشاه روسیه راه یابد. راسپوتین طی سال‌های حضور در دربار، بر ملکه روسیه نفوذ فراوانی یافت و مقامات حکومتی را برضد خود برانگیخت. اما تزار به سبب علاقه‌ای که همسرش به راسپوتین داشت اقداماتی جدی در این رابطه انجام نداد تا این‌که راسپوتین توسط نخست‌وزیر وقت که از دخالت‌های گسترده وی به ستوه آمده بود از کشور اخراج شد. ولی راسپوتین از محل تبعید نیز رابطه خود را با ملکه روس حفظ نمود و با ارسال نامه‌های متعدد، نخست وزیر را به توطئه علیه خاندان سلطنتی متهم کرد. ملکه نیز نفرت و سوء ظن خود را به تزار منتقل نمود و روابط تزار و نخست وزیرش به تدریج به سردی گرایید تا این‌که نخست‌وزیر در حادثه‌ای به قتل رسید. از این زمان، راسپوتین به روسیه بازگشت و شهرت اعمال و رفتار جادوگرانه و آمیخته با فساد و شهوت‌رانی راسپوتین، به گوش اکثر مردم روسیه رسید و جنجالی را نیز در داخل مجلس دوما برانگیخت. اما نفوذ وی در دربار و حمایت شخص ملکه روسیه از وی مانع از هر تصمیم جدی علیه او می‌گردید به طوری که هر کس راسپوتین را به خشم می‌آورد مغضوب ملکه تزار می‌شد و جان‌ش مورد تهدید قرار می‌گرفت. راسپوتین به تدریج در عزل و نصب‌ها، ماموریت دادن به افراد دولتی و تصمیمات کوچک و بزرگ تزار نیز اعمال نفوذ و دخالت می‌کرد. از آن طرف، تزار نیکلای دوم در مورد چگونگی برخورد روسیه با بحران جنگ اول جهانی و نیز شروع تهاجمات و پایان آن، با راسپوتین مشورت می‌کرد. در این زمان به توصیه راسپوتین و اصرار ملکه که تحت تاثیر تلقینات راسپوتین قرار داشت، تزار نیکلای دوم شخصا فرماندهی کل قوای روسیه را به عهده گرفت و با خروج او از پایتخت برای عزیمت به منطقه جنگی، اختیار امور کشور به دست ملکه و در واقع به دست راسپوتین افتاد. مکاتبات ملکه روسیه با تزار از هنگام تصدی فرماندهی کل قوای روسیه از طرف تزار، نشان می‌دهد که ملکه در تمام این مدت در جزئیات نقشه‌های جنگی قرار داشته و در هر یک از نامه‌ها و تلگراف‌های خود به تزار، نظریات راسپوتین را در امور نظامی به تزار تلقین می‌نمود. بعدها فاش شد که مداخلات ملکه و تلقینات راسپوتین که نه فقط در ملکه، بلکه در تزار هم موثر بود، یکی از عوامل مهم شکست نیروهای روسیه در جنگ جهانی اول به شمار می‌رفت. گفته می‌شود راسپوتین حتی روز مرگ خود در اول ژانویه 1917م را نیز پیش‌بینی کرده بود. او در نامه‌ای به تزار متذکر شده بود که اگر به دست عوامل دولتی یا شاهزادگان درباری کشته شود کلیه خاندان سلطنتی، ظرف دو سال نابود خواهند شد. گریگوری راسپوتین سرانجام در آخرین روز سال 1916م در 44 سالگی به دست یک شاهزاده تزاری به قتل رسید. قاتلان، جسد او را در اول ژانویه 1917م در میان یخ‌های رود نوا انداختند، که دیگر هرگز این جسد پیدا نشد.

* استعفای «بوریس یلتسین» از ریاست جمهوری روسیه (1999م)

اشاره: بوریس یلتسین، اولین رئیس جمهور روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق در اول فوریه 1931م در منطقه اورال روسیه در خانواده‌ای تهی‌دست به دنیا آمد و پس از اخذ دیپلم به حزب کمونیست پیوست. ترقی بوریس در حزب کمونیست به کندی صورت گرفت چرا که علاقه‌ای به فعالیت‌های حزبی نشان نمی‌داد و در واقع اعتقاد باطنی به کمونیسم نداشت. باوجود این در اواخر دهه 1970م به توصیه برژنف و در حالی که در آن زمان، اعضای قدیمی‌تر و کارآمدتری نیز وجود داشتند، به مقام دبیر اولی حزب در زادگاه خود رسید و در همین ایام بود که با گورباچف روابط نزدیک و دوستانه‌ای برقرار نمود. یلتسین در نخستین کنگره حزب کمونیست شوروی که در زمان رهبری گورباچف تشکیل شد سخنرانی پرحرارتی در طرفداری از پروستریکا و برنامه‌های اصلاحی گورباچف ایراد کرد و گورباچف که درصدد تغییراتی در سطح بالای رهبری حزب کمونیست بود، او را به مقام دبیر اولی حزب کمونیست مسکو ارتقا داد. یلتسین در این مقام، جدیت فراوانی از خود نشان داد و با حضور در میان مردم، محبوبیت و شهرت زیادی به دست آورد. وی پس از چندی با حمایت گورباچف به عضویت دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست که عالی‌ترین مقام حزبی در شوروی بود انتخاب شد، اما تندروری او در مبارزه با عناصر قدیمی و محافظه‌کار حزب باعث شد تا مدتی بعد از این سمت برکنار گردد. از این رو، یلتسین در سال 1988م عملاً از صحنه سیاست شوروی کنار رفت ولی در سال 1989م با استفاده از فضای باز سیاسی به وجود آمده، به صحنه بازگشت و با ایراد انتقادات تند از عملکرد حزب و دولت، در انتخابات این سال، که نخستین انتخابات آزاد در تاریخ آن کشور بود، با رأی بیش از پنج میلیون نفر از اهالی مسکو و کسب 89 درصد آراء به نمایندگی کنگره خلق انتخاب گردید. با تصویب پیشنهاد یلتسین درباره انتخاب مستقیم رئیس جمهور فدراسیون روسیه از طرف مردم، بوریس یلتسین در انتخابات ریاست جمهوری روسیه در ماه مه 1990م با اکثریت قاطع به این مقام رسید و پس از استعفا از حزب کمونیست شوروی، در برابر گورباچف قد علم کرد. او در ژانویه 1990م، در حالی که اتحاد شوروی سخت درگیر بحران‌های داخلی به ویژه در آذربایجان بود اعلام داشت که اگر تحولات عمده‌ای در کشور رخ ندهد، اتحاد شوروی ظرف مدت سه ماه نابود خواهد شد. در عین حال، وی گورباچف را متهم کرد که به سبب مصالحه بیش از حد بر سر روند پروستریکا با یک جنگ داخلی در جنوب و یک شورش سراسری علیه سلطه مسکو روبروست. در این میان، کودتای نافرجام تابستان 1991م علیه گورباچف و مقاومت یلتسین در برابر کودتاچیان، موقعیت یلتسین را بسیار تحکیم بخشید و به جایگاه گورباچف لطمه زیادی وارد کرد. یلتسین سپس با صدور فرامینی که بدون مشورت با گورباچف صادر می‌کرد، عملاً کنترل اوضاع را در سراسر روسیه به دست گرفت و با انحلال حزب کمونیست و فروپاشی شبکه وسیع تشکیلات حزبی در شوروی، گورباچف کنترل جمهوری‌های دیگر شوروی را هم از دست داد. همچنین با تشکیل جامعه کشورهای مستقل مشترک المنافع، آخرین تلاش گورباچف برای حفظ یکپارچگی اتحاد جماهیر شوروی بی‌نتیجه ماند و به فروپاشی شوروی انجامید. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، یلتسین به ریاست جمهوری روسیه برگزیده شد و مورد حمایت غرب قرار گرفت. او که می‌خواست اصلاحات خود را با استفاده از کمک‌های مالی غرب انجام دهد، با حلف وعده دول

غربی مواجه گشت. بوریس یلتسین در نهایت پس از یک دوره بیماری و ناتوانی از ادامه دوران دوم ریاست جمهوری، در 31 دسامبر 1999م از این مقام استعفا کرد و ولادیمیر پوتین را به جانشینی خود برگزید.

* اختراع کبریت (1827م)

اشاره:

اولین کبریت شیمیایی در سال ۱۸۲۷ میلادی توسط «جان واکر» اختراع شد. این کبریت‌ها چوب‌های باریکی بودند که سرهای آن‌ها نخست گوگردی شده و سپس در کلرات پتاسیم و رصن و گوگرد اکسیژنه آغشته می‌شد و در آخر در محلول اسید سولفوریک فرو برده می‌شد. در سال ۱۸۳۰ میلادی شارل سوریای فرانسوی کبریت فسفری را اختراع کرد که با فسفر سفید ساخته می‌شد. بعدها این کبریت به کبریتی تبدیل شد که بر اثر مالش با کاغذ شیشه‌ای آتش می‌گرفت. خمیر این کبریت‌ها از کلرات پتاسیم، سولفور آنتیمون و آب صمغ بود. به دلیل خطر استفاده از فسفر سفید کارل رانس و لوندسترم فسفر بی‌شکل، را که مخلوطی از فسفر سفید و قرمز بود را به کار بردند. با این حال آلمانی‌ها افتخار این اختراع را برای کامرر می‌دانند و اتریشی‌ها و مجارها نیز آن را به اتین رومر و پرشل نسبت می‌دهند. نخستین کارخانه کبریت‌سازی جهان توسط کامرر آلمانی در سال ۱۸۳۲ میلادی ساخته شد. نخستین کارخانه کبریت در ایران کبریت توکلی است.